

جراپیروزی فاولصلح به دنبال نداشت؟

سؤال این است، چرا بعد از پیروزی در عملیات فاو، صلح برقرار نشد یا دست کم زمینه‌های مناسب‌تری برای رفتن به‌سوی آن ایجاد نشد؟

انتظار طبیعی این بود بعضی مسئولان نظام نیز آن را تنها در جلسات با فرماندهان جنگ مطرح می کردند، اما از آنچه در عمل رخ داد، می‌توان پاسخ واقعی این سؤال را دریافت. بدین منظور تحولات جنگ پس از پیروزی عملیات والفجر ۸ و تصرف فاورا مرور می کنیم:
۱- به حداقل رساندن امکان بهره برداری عراق از خلیج فارس .

۲- ورود ایران به منطقه جنوبی عراق و همسایگی ایران با کشورهای عربی که می‌توانست باب مذاکره با کشورهای پشتیبانی کننده عراق را برای پایان بخشیدن به جنگ بگشاید.

۳- توازن در جنگ به نفع ایران تغییر کرد و با توجه به موفقیت بزرگ آزادی فاو، می‌توانست باب مذاکره برای پایان جنگ باز شود، ولی با وجود آمادگی مسئولان سیاسی کشور در این زمینه، دنیا هیچ گونه انعطافی نشان نداد و برعکس، شاهد موضع گیری صریح آمریکا بودیم مبنی بر اینکه ایران بزرگ ترین تهدید منطقه است. یک مقام آمریکایی در این باره گفته بود: «من تصور می‌کنم ایجاد پیروزی ایران برای منافع امریکادر خاورمیانه فاجعه به بار خواهد آورد.»

شاید پرسیده شود که آیا پس از تصرف فاوسازمان ملل نمی‌توانست به عنوان وسیله‌ای برای تسهیل فضا سازی برای صلح مورد نظر ایران قرار گیرد؟ باید گفت که پس از تصرف فاو، شورای امنیت قطعنامه ۵۸۲ را در ۱۵ اسفند ۱۳۶۴ به تصویب رساند. در این قطعنامه بر اصل غیرقابل قبول بودن تصرف سرزمین از راه زور تأکید شده است و نکات واقع بینانه نیز که حاکی از برتری سیاسی نظامی ایران بود، در آن به چشم می خورد و از اقدامات اولیه که سبب برخورد بین ایران و عراق شده بود، اظهار تأسف شده است. همچنین از افزایش برخورد ها به ویژه تهاجمات ارضی، بمباران مراکز جمعیتی، حمله به کشتی های بی طرف و به ویژه استفاده از سلاح های شیمیایی که مغایر با پروتکل ۱۹۲۵ ژنو بود، اظهار تأیید شده است و بر خلاف قطعنامه هایی که در زمان اشغال خاک ایران صادر شده بود و در آن ها عقب نشینی را توصیه نمی کردند، در این قطعنامه از دو کشور درخواست شده است به مرزهای بین المللی عقب نشینی کنند.

با این حال، در قطعنامه ۵۸۲ همچنان از احراز تجاوز عراق به خاک جمهوری اسلامی و پرداختن به مسئولیت کشور آغاز کننده و پرداخت خسارت اجتناب شده است. به طوری که از زمان شروع تجاوز عراق تا سال ۱۳۶۶ هیچ طرح مهمی که از طرف سازمان های معتبر بین المللی پیشنهاد شده باشد و متضمن برآورده شدن حداقل خواسته های قانونی ایران باشد، ارائه نشد. حتی زمانی که ایران قدرتمندانه موفق شد قسمت هایی از خاک عراق را تصرف کند، همه پیشنهاد های ارائه شده تنها در حد آتش بس و عقب نشینی به مرزها بود، بدون اینکه در باره پایداری صلح و شناخت متجاوز مطلبی ارائه شود. وقتی که قطعنامه ۵۹۸ که در آن به کشور موضوع شناخت متجاوز و پرداخت غرامت به کشور صدمه دیده مطرح شد، صادر شد، ایران آن را مثبت ارزیابی کرد، با این حال برای اجرای آن پیشنهاد هایی داشت که اولویت دادن به بند شناخت متجاوز از جمله آن ها بود ولی فشار کشورهای غربی از جمله آمریکا (با دست زدن به اقداماتی همچون سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران و تهدید به تجهیز صدام به بمب اتم و…) مانع از تحقق این امر شد. ایران در زمینه اجرایی کردن قطعنامه باد کوئینار، دبیرکل وقت سازمان ملل، بسیار همکاری کرد. [۱]

[۱] ابر گرفته از کتاب جنگ ایران و عراق، پرسش ها و پاسخ ها، فرهاد درویشی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ



منطقه عملیاتی والفجر که به فتح فاولمنجر شد و بازتاب آن در روزنامه

شهر

شنبه ۳۳ شهریور ۱۳۶۶ شماره ۲۸

۱۴



جنگ

یادی از شهید حسینعلی نوری فرمانده اطلاعات و عملیات لشکر ویژه شهدا سر باز مخلص گردان «اخلاص»

زهرا بیات

حسینعلی نوری نهم آبان سال ۱۳۴۲ در روستای داق داق آباد شهرستان کبودرآهنگ از توابع استان همدان به دنیا آمد. پدرش کشاورز بود و او به عنوان فرزند یک کشاورز از همان کودکی بسیار پر تلاش و باهمت بود. سعی می کرد در کارهای کشاورزی، کمک حال پدر و سایر اعضای خانواده باشد. در هفت سالگی وارد دبستان شد اما به دلیل کمبود امکانات و وضع نامناسب مالی خانواده، مجبور به ترک تحصیل شد. سال های نوجوانی حسین با مبارزات انقلابی مردم ایران با رژیم ستمشاهی همراه بود و او نیز همچون دیگر جوانان و نوجوانان، همپای مردم در تظاهرات و راهپیمایی ها شرکت می کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی به کمیته های مردمی پیوست تا به محرومان خدمت کند. در ادامه، در سال ۶۰ با تأسیس سپاه پاسداران به این نهاد نوپا پیوست و از نخستین روزهای جنگ تحمیلی نیز در جمع رزمندگان مشهودی و یاران محمود کاوه، روانه جبهه های حق علیه باطل شد. حسین از قدرت بدنی خوبی برخوردار بود و در عین حال بسیار باهوش و با استعداد بود و این امر موجب شد

گنماد در همدان، بلندآوازه در خراسان

لشکر ویژه شهدا در شمال غرب از سه استان خراسان بزرگ، کرمانشاه و همدان به ابتکار سردار شهید برجردی تشکیل شد. شهید نوری وارد این یگان رزمی شد که برای مبارزه تخصصی و چریکی با ضد انقلاب در جنگ های پارتیزانی (نبردهای چریکی) تشکیل شده بود. در نقش مؤثر شهید حسینعلی نوری همین بس که سردار شهید محمود کاوه، از فرماندهان بنام دوران دفاع مقدس که رهبر معظم انقلاب او را استاد خود خطاب کرده اند، در وصف شهید نوری گفت: «او از افراد نخبه نظام جمهوری اسلامی است.» بیان این جمله از زبان سردار کاوه که خود قدرت رزمی بسیار خوبی داشت و فردی سخت پسند بود، نشانگر نقش مؤثر سردار شهید نوری در جبهه نبرد است. این شهید بزرگ، فرمانده ای شکست ناپذیر بود و هر جا که وارد می شد، رزمندگان روحیه می گرفتند، اما متأسفانه در استان همدان، کمتر او را می شناسند و آوازه او در خراسان بزرگ، بلندتر از زادگاهش است.

سردار حمید عسکری، از فرماندهان استان همدان

سردار سیدمجید ایافت، هم رزم شهید

عملیات آبی خاکی مستقر کرده بود و حسینعلی نوری فرمانده آن بود. کار سخت و سنگینی داشت. بچه ها باید در زمستان سرد استخوان سوز شمشیر جزیه آبادان، آن هم در آب، تمرین می کردند. خیلی ها به خاطر سرما و سختی کار، از ادامه آموزش بازمی ماندند. یک روز برای بازدید به آموزشگاه رتم. حسینعلی مثل همیشه براق و آماده مشغول آموزش نیروها بود. برای روحیه دادن به بچه ها شیرجه زد توی آب و بدون وسایل کمکی غواصی عرض رودخانه را زیرآبی رفت. بعد از پرش او چند قایق تندرو عاشورا از آن سوی رودخانه و در مسیر حرکت او به سمت ما آمدند، پره های فلزی موتور قایق می توانست هر جنبنده ای را تکه تکه کند، اما حسینعلی از آن سوی رودخانه بهممنشیر برایمان دست تکان داد.

● **رجزخوانی برای ضدانقلاب**

در یکی از درگیری های تیپ ویژه شهدا با ضد انقلاب در روستای گزلان محاصره شده بودیم. هر لحظه حلقه محاصره نیروهای پیششاز اطلاعات و عملیات و گردان امام حسن^(ع) که کاوه و حسینعلی بيششان بودند، تنگ تر می شد. حتی بی سیمچی کاوه را که قبلی او و حسینعلی بود، تک تیرانداز زده بود. بچه ها برای جواب گویی به آتش ضد انقلاب حتی نمی توانستند سر خود را بالا بیاورند. در این وضع بحرانی، حسینعلی روی دوزانو رو به دشمن نشست و ضمن تیراندازی

● **زیرآبی در عرض بهمنشیر**

واحد اطلاعات عملیات لشکر ویژه شهدا، قبل از عملیات والفجر ۸ در رودخانه بهمنشیر، آموزشگاه ویژه غواصی و

یادی از شهید حسینعلی نوری

فرمانده اطلاعات و عملیات لشکر ویژه شهدا

سر باز مخلص گردان «اخلاص»

آموزش های قدمداتی و تکمیلی را یکی پس از دیگری پست سرگذار دو بعد از مدت کوتاهی به یکی از مر بیان

زبده رزمی و عملیاتی تبدیل ش‌ود.

فروتنی، اخلاص و استعداد کم نظیر حسین باعث شد در مسئولیت های مختلف اطلاعات و عملیات گماشته شود و در نهایت به عنوان مسئول اطلاعات و عملیات لشکر ویژه شهدا منصوب شد؛ گروهی به نام «اخلاص» که نقش مهمی در نبردهای چریکی از سرکوبی ضد انقلاب تا رویارویی با دشمن بعثی ایفا کرد. مأموریت این بخش، نفوذ به خطوط عقبه و پشتیبانی دشمن و شناسایی مواضع، نیروها و تجهیزات دشمن بود تا بر اساس اطلاعات جمع آوری شده، عملیات مناسبی برای بیرون راندن دشمن از خاک ایران یا تعقیبش در خاک عراق طرح ریزی شود. او مدت زیادی از خدمت خود در ک‌رستان را در لشکر ویژه شهدا هم رزم شهیدان کاوه و محراب بود و طول ۶ سال در عملیات های متعددی شرکت کرد و چندین بار نیز مجروح شد. این فرمانده رشید در نهایت ۳۰ دی ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ در جبهه شلمچه پس از تسخیر پادگان قصر که قرارگاه فرماندهی دشمن در شهرک دو عیجی عراق بود، به شهادت رسید و در زادگاهش به خاک سپرده شد.



شهید حسینعلی نوری در سال ۹۸ به همراه ۱۲ فرمانده شهید و الامقام استان همدان از طرف رهبر معظم انقلاب مفتخر به دریافت درجه سرتیپ تمام شد. جزئیات بیشتر در باره این شهید گران قدر را می‌توانید در کتاب «من شهید می‌شوم» به قلم رضا عنبری با کتاب «سربازها به خانه بر نمی‌گردند»، نوشته اصغر فکور بخوانید که بر اساس خاطرات دوستان، خانواده و هم‌زمانش نوشته شده است.

شاید «شهادت» را نشناخته باشم

خدا یا! گرچه من لیاقتش را ندارم و لیکن از روی شما که در قلم‌و روحم جایپدا کرده است و تنها خواسته من از توست، برآورده کن. من شاید واژه شهادت را نشناخته‌ام که این چنین گستاخانه ویی ادب از تو طلب آن را می‌کنم. از شما خانواده عزیزم که حق فراوانی نسبت به من دارید، می‌خواهم در مرگ من جشن بگیرید و نگذارید خدای نا کرده از گریه شما دشمن خوشحال شود. موقعی که به یاد من می‌آفتید، در دهنتان حضرت اباعبدالله الحسین^(ع) را به یاد بیاورید. اگر هم خواستید گریه کنید، برای امام حسین^(ع) گریه کنید.

بخشی از وصیت نامه شهید

شاید «شهادت» را نشناخته باشم

و عشق به خانواده در حالی که تنها فرزندش، مجید، بسیار کوچک بود، دل‌م را لرزاند و به این همه ایثار و اخلاص، آفرین گفتم.

● **شهید عملیات آینده**

او به همه گفته بود که در عملیات پیش رو شهیدمی‌شود. عملیات کربلای ۴ و سپس ۵ انجام شده بود و به همراه حسینعلی در هر دو نبرد حضور یافتیم. وقتی در کربلای ۵ شیمیایی شدم، حسینعلی که جانشین معاونت اطلاعات لشکر ویژه شهدا بود، جای مرا گرفت و معاون اطلاعات لشکر

شد. با فرماندهی او رزمندگان توانستند پادگان قصر و شهرک «دو عیجی» را تصرف کنند. نبرد بسیار سختی بود و رژیم بعثی برای حفظ مواضع خود به شدت مقاومت می‌کرد. سردار حسینعلی نوری و سردار علی‌اصغر حسینی محراب فرمانده تیپ ۸۸ استان خراسان، کار هدایت رزمندگان را

بر عهده داشتند و در محور عملیاتی ترد می‌کردند. چند قدمی بیشتر به پیروزی نمانده بود که این دو فرمانده شجاع مورد حمله هوایی دشمن قرار گرفتند و هر دو آسمانی شدند. آتش دشمن مستقیم به (شهید) حسینی محراب که سوار بر موتور بود، خورد و «اربا را با» شد، طوری که وقتی پیکرش را جمع کردند، چند کیلویی بیشتر به دست نیامد. سردار حسینعلی نوری هم در خود رو دیگری بود که در اثر حمله هوایی دشمن، پس از سال‌ها مقاومت برای پایداری اسلام و دفاع از وطن به بلندی افلاک پر کشید.



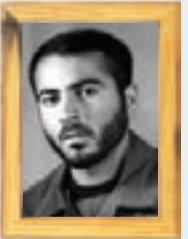
شهید علی‌محبوب تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۷/۲۴ محل تولد: تهران تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۷/۲۴ محل شهادت: شیخ محمد بهشت‌نهر(ع)



شهید ابوالفضل رستمی تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۵/۲۵ مشد تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۷/۱۱ محل شهادت: مابوت مراز: بهشت زهراي تهران



شهیدمحمد مجید گلرخیان تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۷/۲۷ محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۷/۱۱ محل شهادت: محبوت مراز: خواجهر بیخ



شهید محمدحسین‌قوابی عصمت‌پناه تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۵/۵ محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۷/۲۰ محل شهادت: شلمچه مراز: بهشت زهراي تهران



شهید مهدی نصیری صالح‌آبادی تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۴/۱ محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۷/۲۱ محل شهادت: شلمچه مراز: مفقودالثر

شهیدی هفته

۲۵دی ۱۳۶۶

عملیات هفته

بیت المقدس ۲

منطقه عملیات:

منطقه سلیمانیه و

ماووت عراق

یگان شرکت کننده:

سپاه

نتیجه عملیات درحالی‌که تلاش‌های ایران برای یافتن ضمانتی در راستای دستیابی به حقوق خود در مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت به نتیجه‌ای نرسیده بود، رزمندگان سپاه اسلام برآن شدند ضمن اجرای یک عملیات گسترده در منطقه‌ای کوهستانی و سرد، دشمن بعثی را در منگنه جنگی قرار دهند. این عملیات در منطقه‌ای به وسعت ۱۳۰ کیلومتر مربع آغاز شد و در سخت‌ترین وضعیت جوی در میان برف و سرما توسط یگان‌های سپاه ادامه پیدا کرد. یگان‌های خودی علاوه بر مشکلاتی که برای استقرار داشتند، هنگام پیشروی و رسیدن به مواضع دشمن نیز بادشواری‌های بسیاری مواجه بودند، چنان‌که رزمندگان مسیریهای طولانی

تانک و نفربر، ده‌ها قذیبه خمپاره‌انداز و ادوات سنگین و تاکتی و مهندسی دشمن نیز به غنیمت‌گیری‌های اسلام درآمد. همه پاتک‌های دشمن در این عملیات با مقابله و عکس‌العمل ضدیاتک رزمندگان دفع شد و دشمن پس از دریافت ضربات سخت، به عقب‌رانده می‌شد. درحالی‌که تیپ‌های ۸۳ و ۶۰۳، پیاده، تیپ ۸۱، تیپ متعدد، ناتوان و فرسوده بودند و فرصت هرگونه تعرض و تصمیم‌گیری از آن‌ها سلب شده بود، رادیو بغداد، دم‌آزی پیروزی می‌زد به نیروهای عراقی که تا عمق ۴۰ کیلومتری خاک خود عقب‌نشسته بودند، درود می‌فرستاد. این تمجیدها و تحسین‌ها، دشمن نمی‌توانست روحیه از دست‌رفته سربازان وحشت‌زده عراق را بازگرداند.